

دشواری رسیدن به ستیغ این معارف والا نشان داده شده و آنگاه لزوم بهره‌وری-در حد امکان- این حقایق مطرح شده و مظلومیت نهج البلاغه، خطب فاطمیه تعالیم عاشورا، صحیفه سجادیه و... خاطر نشان گردیده و با عباراتی بلند و تعبیرهای بیدارگر، لزوم در نگریستن جدی به آموزه‌های دریاوار و سپیدی آفرین آنها یاد کرده شده است.

در «شناخت» نخست، گونه‌های کلام (کلام وحی، کلام حاملان وحی و کلام طبیعی) تبیین شده و کلام علی-ع- به عنوان نمونه‌ والای کلام حاملان وحی و انسان هادی معرفی شده است. شناخت دوم، عهده دار توضیح عنوان «انسان هادی» و «انسان هابط» است و در شناخت سوم، سخن از نور است و انسان هادی به عنوان نور انوار و «نورالله». در شناخت چهارم از گستره دانش انسان هادی سخن می‌رود و رؤیت حقایق به عنوان لازم وجود «انسان هادی» توضیح داده می‌شود و جایگاه آموزگاری و حکمت آموزی وی تبیین می‌شود. در شناخت پنجم، «ظلمت» به عنوان مشکل اساسی انسان مطرح شده و برای رهایی از تنگناها و پوچیها، ضرورت قرار گرفتن وی در جهت تعالیم و هدایت «انسان هادی»، بیان گردیده است. آنگاه در شناخت ششم از انسان هادی به عنوان «مهبط کتاب» سخن رفته و با توجه به اصل وصایت، جایگاه بلند انسان هادی در هدایت جامعه نشان داده شده و عظمت و والایی انسان هادی که «نقطه تجسم تام معرفت الهی و محبت الهی است»، تبیین گردیده است. سپس شناخت هفتم است در جهت تبیین چهره انسان هادی به عنوان «لطف بزرگ» و نعمت عظیم و مورد سؤال و مسائل دیگری در این زمینه که آموزنده و خواندنی است.

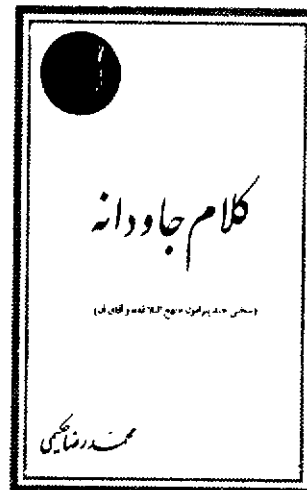
با این مقدمات، نوبت می‌رسد تا نویسنده در آستانه «معبد خورشید» بایستد و از «کارنامه خورشید»، «حماسه انقلاب» و «کلام جاودانه» علی سخن بگوید. پس شناخت هشتم نگاهی است به امواج خروشان دریا، و با رقه‌ای از تشعشع انوار سپیدی آفرین آفتاب کلام علوی. در این بخش پس از اشاراتی به جایگاه والای علی-ع- برای هر چه بیشتر روشنتر شدن ابعاد کلام شگرف آن بزرگوار، نهج البلاغه

معرفیهای اجمالی

کلام جاودانه

محمدرضا حکیمی. (چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰). ۲۶۴ ص، رقعی.

«کلام جاودانه»، نگاهی است به نهج البلاغه و آفاق آن. مؤلف در پیشگفتار کتاب از دوگونه انسان سخن می‌گوید: انسان هادی و انسان هابط؛ که به تعبیر وی انسان هادی «همان نفس



قدسی معصوم است که از سرادق عالم ربوبی برای هدایت انسان، بدین جهان می‌آید... و... آنگاه سخن از نهج البلاغه است؛ که شمه‌ای است از تعالیم «انسان هادی». و علی لکل قوم هاد.

کتاب در یک «مدخل» و هشت «شناخت» و سپس یک «تذییل» سامان یافته است. مدخل و شناختها پیشتر و به عنوان مقاله‌ای بلند در یادنامه استاد محمدتقی شریعتی مزینانی، مفسر و شارح بزرگ قرآن و نهج البلاغه-رضوان الله علیه- چاپ شده بود و اکنون با افزوده‌ای، منتشر شده است. در «مدخل»، جایگاه بلند کلام علوی نمایانده شده و

جدی به سؤالات خوانندگان آثارش پرداخته و در ضمن آن تصویری زیبا و شورانگیز از اسلام ناب محمدی و تشیع سرخ درگیر علوی و تعالیم ستم ستیز و طاغوت ستیز الهی- در دو بعد طاغوت اقتصادی و سیاسی- ارائه داده است.

در این بخش به دقت تمام از چرایی روی گردانی نسل جوان از مذهب سخن رفته و دغدغه خاطر رهبران الهی نسبت به فرودستان نموده شده و درگیری مستمر حاملان وحی با زراندوزان و زورگویان عرضه شده، و عدالت و لزوم گسترش آن به عنوان اصلی بنیادین در تعالیم الهی مطرح گردیده و تبعیضها و چندگونگیهای فسادآفرین و فاصله های وحشتناک معیشتی بشدت طرد و نفی شده است. در بخش دیگر از این مبحث، به نکته ای حساس اشاره رفته است و آن، چگونگی تحقق «تهاجم فرهنگی» است. استاد با هوشمندی توجه داده اند که تهاجم، تنها و تنها در «خلأ» امکان پذیر است: خلأ فکری، عبادی، اسلامی، عملی و... و آنگاه ضمن توجه دادن به اهمیت و سرنوشت سازی مسئله، به برخی از زمینه های این «خلأ» توجه داده اند.

معرفی دقیق و گسترده این اثر گرانقدر و تنبّه آفرین در این سطور محدود ممکن نیست. اکنون ضمن قراخوانی خوانندگان به خواندن، در تگریستن و بهره گرفتن از این کتاب، بخشی دیگر از عبارات بلند و زیبایی آن را می آورم:

باید اندیشه ای کرد... باید بیدار شد... باید تکانی خورد... باید چشم را باز کرد و گوش را تیز... باید خرد را به کار گرفت و تعهد را زنده کرد... باید لحظاتی فکر کرد که ما انقلاب کرده ایم و مدعی انقلاب هستیم... آنهم انقلاب اسلامی... در یک کشور اسلامی شیعی... یعنی پایگاه تعالیم علی و آل علی «ع»... باید به یاد آورد که:

- ما، وارثان «نهج البلاغه» ایم در تاریخ...

- ما، تلاوت کنندگان خطبه های فاطمیه و واژه های خروش آفرین آن سخنان آتشینیم در جهان...

- ما، پیام گستران خون فجر و شفقیم در روزگار...

- ما، صاحبان «جغرافیای معنوی کربلا» و «تقویم روحی

عاشوراء» ایم...

- ما، سرایشگران سرودخوان معبد بزرگ مسئولیت و

توصیف شده است؛ با تعبیرهایی بلند، عباراتی هیجانبار، کلماتی نورانی و جملاتی دلپذیر که همه و همه نشانگر شیدایی و شیفتگی عظیم نویسنده است نسبت به «چشمه خورشید». اکنون برخی از جملات کتاب را در توصیف محتوی نهج البلاغه می آورم:

- شناخت ابعاد عظیم از قرآن کریم.

- محو شدن خود کامگان جبارتاریخ، در نابودی نابودستان دنیا....

- درخشش پر رمز و راز پدیده ها....

- شگرفی موج گستر اقیانوسها....

- ترسیم چهره واقعی انقلاب، با بیان تحرکهای مهلت ناشناس انقلابی، در اجرای حق و عدل....

- صلابت ستیغ وار دفاع از عدالت.

- نگرش تمسخرآمیز تهدیدگر به سفره ها و رفاههای رنگ یافته از خون مستضعفان....

- و.... (ص ۱۶۲-۱۶۵).

و این هم اندکی از تعالیم هیجانبار علوی در نهج البلاغه:

- آنان که نتوانند در فضای عدالت زندگی کنند، زندگی در فضای ستم برایشان دشوارتر خواهد بود.

- به هنگام قبول مسئولیت هدیه نپذیرید، و اگر همه جهان را به شما بدهند تا به موری ستم کنید، نکنید.

- مسئولان باید به مردم چنان به یک چشم نگاه کنند که نه قدرتمندان و توانگران جرأت ظلم کردن بیابند و نه ضعیفان و ناتوانان از اجرای عدالت ناامید گردند.

- مسئولان باید به توده ها تکیه کنند نه به اشراف و اعیان و طبقات ممتاز.

- قاضی باید در کار خویش توانا باشد، و در برخورد با مراجعان بر سر لاج نیفتد. و هر گاه اشتباه کرد زود بپذیرد و از تسلیم شدن در برابر حق سرباز نزند.

- قاضی باید سرسوزنی طمع نداشته باشد، و درباره موضوع پرونده تا آخرین مرحله ممکن تحقیق کند. ص ۱۶۸-۱۷۹.

اینها همه بر گرفته از نهج البلاغه است؛ و اندکی است از تعالیم فروغ گستر علوی.

افزوده این چاپ، تدبیل است که نویسنده به پاسخی

تعهد «صحیفه سجّادیه» ایم...

- ما، سربرآورده از زندانهای مخوف و تیغهای آخته و شکنجه‌های خونین بنی‌امیه و بنی‌عبّاسیم...

- ما، شاکردان کتابهای مقدّسی هستیم که در قفسهای آهنین، به دست انساتهای کاملی چون شهید اول تألیف یافته است...

- ما، سریدارانیم و تشیع شعاران...

- و سرانجام ما، منتظران حکومت آسمانی قرآن، در دولت عدل جهانی مهدی آلِ محمدیم...

و آیا سزاوار است که نتوانیم آنهمه میراث خورشیدی را زنده کنیم، و جامعه «نهج البلاغه» را بسازیم؟ نه، هرگز سزاوار نیست. و اگر چنین کردیم بخشوده نخواهیم گشت.

محمدعلی مهدوی راد

فهرست راهنمای ده ساله نشر دانش (۱۳۶۹-۱۳۵۹)

محمدعلی رونق. نشر

دانش: فهرست راهنمای

ده ساله (۱۳۶۹-۱۳۵۹).

تهران، مرکز نشر

دانشگاهی، ۱۳۷۰، ۸۲ص،

وزیری.

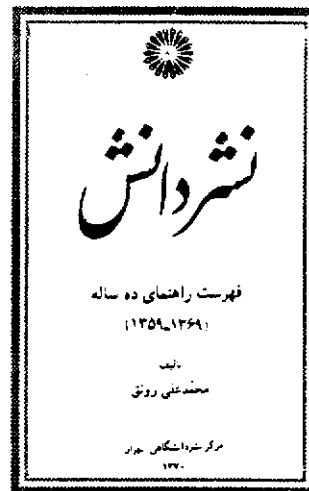
گردآوری اطلاعات

کتابشناختی مطالب نشر

یافته در مطبوعات که با

عنوانهایی چون راهنما،

نمایه‌نامه، چکیده‌نامه و



فهرست به منظور بازیابی سریع و نگهداری پیشینه نشریات تهیه می‌شود، از وظایف اصلی گردانندگان مطبوعات است.

مجله نشر دانش طی ده سال انتشار مستمر (۱۳۵۹-۱۳۶۹)

(۱۳۶۹) نیاز به فهرستی کامل از مطالب و نوشته‌های ارائه

شده در خود داشت. که این امر برای مراجعه و استفاده

آسانتر و برآوردن هدفهایی که در بالا ذکر شد، بسیار

ضروری است.

تدوین «فهرست راهنمای ده ساله نشر دانش» که به همت آقای محمدعلی رونق، کتابدار با سابقه بخش اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید چمران به انجام رسیده، تا حدی پاسخگوی این نیاز است.

این فهرست در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول سیاهه کامل اطلاعات کتابشناختی مقاله‌ها؛ بخش دوم نقد و بررسی کتاب؛ بخش سوم فهرست راهنمای عمومی که نمایه عام به شمار می‌آید و به شیوه فرهنگی تنظیم شده است.

در سیاهه مقاله‌ها و نقدها، اطلاعات کامل کتابشناختی آورده شده است؛ علاوه بر آن اطلاعاتی اضافه در داخل قلاب آورده شده که خود بر غنای این فهرست می‌افزاید. به عنوان نمونه، مقاله زیر که نقد و بررسی یک کتاب است، به این شکل آورده شده:

دیانی، محمدحسین. شبکه برای انتقال دانش فنی و حرفه‌ای. سال پنجم، شماره ششم (مهر و آبان ۱۳۶۴) ص ۵۱-۵۰.

[نقد و بررسی کتاب شبکه برای انتقال دانش فنی و حرفه‌ای تألیف عبدالحسین آذرنگ]

نگارنده پس از مطالعه کامل مقدمه و مراجعه به فهرست راهنمای عمومی به این نتیجه رسیده است که جاداشت بخش چهارمی به این فهرست افزوده شود و در آن سیاهه کامل اطلاعات کتابشناختی نامه‌های منتشر شده، در مجله نشر دانش بیاید.

تعداد زیادی از نوشته‌هایی که در بخش نامه‌های مجله نشر دانش نگارش یافته اطلاعات مفیدی درباره وضعیت نشر کتاب، ویرایش، حق مؤلف و جز آن به خواننده می‌دهد که جای آن در متن اصلی فهرست راهنمای ده ساله نشر دانش خالی است.

گردآورنده در فهرست راهنمای عمومی که نمایه‌ای عام است، با ذکر عنوان نامه‌ها و ارجاع به سال و شماره و صفحه در مجلدات ده ساله نشر دانش اکتفا کرده است. اگر چه در جلوی اسامی نویسندگان نیز در ردیف الفبایی به همان صورت ارجاع داده شده است؛ ولی اگر در بخش مجزایی اطلاعات کامل کتابشناختی نامه‌ها آورده می‌شد، با

ارجاع به شماره ردیف، احتیاج مراجعه کننده در بازبینی دوباره مجلات برای پیدا کردن اطلاعات کامل کتابشناختی نامه ها، رفع می گردید.

شیوه نامه سازی مقاله ها و انتخاب موضوع معمولاً در تمامی راهنماها، مقاله نامه ها و چکیده نامه ها با بهره گیری از یک اصطلاحنامه موضوعی انجام می شود. این کار به جهت آن است که مقاله ها بسیار تخصصی تر از کتاب بوده و به مقوله های محدودی می پردازند.

ضمناً زبان اصطلاحنامه بسیار شیواتر از سرعنوانهای موضوعی می باشد. تهیه کننده «فهرست راهنمای ده ساله نشر دانش» در انتخاب موضوعات از کتاب «سرعنوانهای موضوعی فارسی» استفاده کرده است که اصطلاحهای آن زیاد مناسب محتوای مقاله های مجلات نیست.

امید است در چاپ و نشرهای آینده فهرست راهنمای ده ساله (۱۳۶۹ - ۱۳۷۹) به این نکته توجه شود.

فهرست راهنمای ده ساله نشر دانش به عنوان یک کتاب مرجع مورد استفاده محققان و دانش پژوهان قرار خواهد گرفت. از آن جا که این راهنما در بخش مرجع کتابخانه ها جهت استفاده مکرر تعداد زیادی از مراجعه کنندگان نگهداری خواهد شد، از این رو لازم است با جلد محکمتر و قطع مناسب چاپ شود. در غیر این صورت شیرازه آن پس از چند بار استفاده از هم خواهد پاشید و جلد مقوایی آن نیز سرنوشت بهتری نخواهد داشت.

امیدوارم مرکز نشر دانشگاهی که در به کارگیری معیارهای درست و جدید چاپ و نشر شهره بوده است، به این نکته نیز توجه کند و این کتاب مرجع را در چاپهای بعدی با جلد و صحافی مناسب عرضه نماید.

محمد فرح زاد

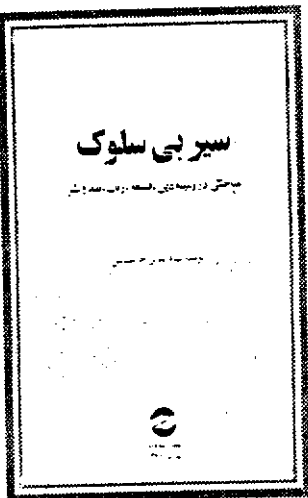
سیر بی سلوک

بهاءالدین خرمشاهی. (تهران، انتشارات معین، ۱۳۷۰).

۵۲۸ص، وزیری.

این کتاب مجموعه مقالات نویسنده است در باب دین، فلسفه، زبان، نقد و نشر؛ همراه با زندگینامه خودنوشت نویسنده در

آغاز کتاب. پس از زندگینامه خودنوشت نویسنده که بسیار دلکش و خواندنی به قلم آمده و از اطلاعات سودمندی نیز برخوردار است، فصل اول با عنوان قرآن پژوهی، شامل مقالاتی است در نقد و تحلیل، شناسایی و شناساندن تفسیرها و کتابهایی درباره



قرآن. اولین مقاله با عنوان «تفسیر پوزیتیویستی قرآن» که نقد کتاب «دین ارکان طبیعت» است، نگاهی است هوشمندانه به چگونگی تفسیر علمی قرآن کریم که از اهم مقالات این بخش توان شمرد. در مقالات دیگر از تاریخ قرآن مرحوم رامیار، تفسیر فخر رازی، تفسیر کشف الأسرار، ترجمه الإقتان سیوطی، دائرة الفرائد در فرهنگ قرآن، جمع و تدوین قرآن، المیزان و... به تفصیل و اجمال سخن رفته است. یادآوری کنم که در مقاله تفسیر فخر رازی، نتیجه بحث سودمند و نسبتاً مفصل نویسنده در نقص و تکمیل تفسیر، استوار نیست و قطعاً به دلایلی، چنانکه جای دیگری یاد کرده ام (آینه پژوهش، شماره ۸، ص ۲۷)، و پژوهشیان دیگر با دقت تمام تصریح کرده اند، تمام تفسیر نگاشته خود فخر رازی است و نه دیگران.

بخش دوم، مباحثی است در حوزه دین پژوهی و شامل مقالاتی است تحت عنوان دایرة المعارف دین، فلسفه دین، خوارق عادات، عدل الهی و مسأله شر، اصول فقه شیعه، بحار الأنوار و... در این بخش نیز یادآوری کنم که تصحیح و نشر الوافی را مؤسسه آل البیت در قم جزو برنامه های خود ندارد (ص ۳۰۰)، بلکه الوافی به همت مکتب الإمام امیرالمؤمنین علی - ع - اصفهان در حال تحقیق و نشر است که شانزده جلد آن منتشر شده است. همچنین گفتنی است که بحار الأنوار، بخش عظیمی از نهج البلاغه را در بردارد و نیز احادیثی از کتب اربعه را. بخشهای نهج البلاغه اخیراً به همت آقای علی انصاریان جدا شده و به همراه شرحهای علامه

نقدهایی را نیز برانگیخت. دو مقاله پایانی کتاب با عناوین: زبان خموش و لیکن دهان پر از عربی است» و «روانشناسی نثر» نیز تأمل برانگیز، جدی و جالب است. موضوع این دو مقاله، یعنی چگونگی ارتباط فارسی با عربی، هنوز هم زمینه حرف و بحث دارد.

«سیر بی سلوک»، بر روی هم کتابی متنوع، جذاب و خواندنی است؛ اما از جناب خرمشاهی در شگفتم که با همه کتابخوانی و کتابدانی و توجه به اهمیت فهرستهای راهنما، چگونه کتابی با این همه پر مایگی را بدون فهرست تفصیلی موضوعات و دیگر فهرستها، رها کرده است!

محمدعلی مهدوی راد

گزیده تهذیب

ترجمه و تحقیق محمدباقر بهبودی. (چاپ اول): تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۰. ج ۵، ۲۱۰+۳۹۹+ ۲۱۴+ ۴۱۲+ ۳۹۸ ص، وزیری.

کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی، پس از گذشت هزارسال از تألیف آن، هنوز از مراجع مهم روایی و از کتب اربعه امامیه به شمار

می آید. این اثر از زمان تألیف آن تاکنون، پیوسته مدار استنباط و افتاء مجتهدان بوده و غبار زمان صفحات آن را نهوشانده است.

استاد محمدباقر بهبودی که سالهاست در احادیث اهل بیت عصمت - ع - غور می کند و همت خود را یکسره به تصحیح و تنقیح جوامع روایی معطوف داشته، مدتی است که عرضه صحاح احادیث کتب اربعه را در دستور کار خود قرار داده و پیشتر، کتابهای گزیده کافی و گزیده من لایحضره الفقیه را منتشر کرده است.

آنچه اکنون به معرفی آن پرداخته می شود، کتاب گزیده

مجلسی نشر یافته است. همچنین موارد بسیاری از نهج البلاغه و کتب اربعه در مقدمه «معجم الفاظ احادیث بحار الأنوار» نشان داده شده است. بنابراین آنچه در صفحه ۳۱۰ با اندکی تردید آمده است، بدون تردید درست است. دیگر اینکه در صفحه ۳۱۳، در ضمن فهرستهای بحار الأنوار، «مستدرک سفینه البحار» مرحوم حاج شیخ علی نمازی در ده جلد که اثری است بسیار رهگشا با فوایدی بسیار که نیازمند معرفی دقیق است، یادکردنی بود که یاد نشده است.

همچنین در صفحه ۳۱۵، تصحیح مجدد بحار الأنوار مانند الوافی، به وسیله مؤسسه آل البیت نوید داده شده است که درست نیست. آنچه در همین صفحه از اختصاصات چاپ جدید (یعنی طبع سوم) شمرده شده است، هیچکدام از اختصاصات این چاپ نیست، و همه اینها در چاپ حرفی که به عنوان دومین چاپ در این مقاله یاد شده است، وجود دارد. نهایت اینکه ناشران بیروتی در ساختمان کتاب، دیگر سانی روا داشته و شرح حال علامه و... را به عنوان (صغر) آورده اند و... افزون بر اینها یاد کنم که از مجلدات باقی مانده (۲۸-۲۴)، جلد ۳۲ و ۳۳ با تصحیح علامه محمدباقر محمودی و به همت انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نشر یافته و جلد ۲۴ در حال نشر است.

بخش بعدی کتاب با عنوان فلسفه و فلسفه علم، با شش مقاله بحثهایی سودمند و درخور نگرش و تأمل دارد. عناوین برخی از آنها چنین است: منطق: یکی از زبانهای حقیقت، پوپر بزرگترین منتقد مارکسیسم، اتحاد عاقل و معقول و پرسش و پاسخ درباره کتاب «علم و دین»، که قبل از خواندن آن کتاب مهم، خواندن این مصاحبه لازم می نماید.

در بخش کتاب و نقد کتاب، با چهار مقاله به مسائل مهم و جدی کتابخوانی، نقد کتاب و نشر در ایران پرداخته شده است. مقاله آیین نقد کتاب در این بخش از بهترین مقاله هایی است که این موضوع را کاویده است.

در واپسین بخش کتاب، مقالات پنجگانه «کرتابیهای زبان» به یکی از مسائل مهم زبان، با نثری طنز آلود و بسیار شیرین و خواندنی پرداخته است. این مقالات در مطبوعات

تهذیب است که شامل صحاح کتاب تهذیب الاحکام است و درعین حال، شامل احادیث کتاب استبصار هم خواهد بود. در آغاز کتاب، مقدمه استاد بهبودی - به فارسی و عربی - آمده و سپس متن کتاب همراه با ترجمه فارسی آن در ذیل صفحه، آورده شده است.

آقای بهبودی در مقدمه این اثر از چگونگی کتاب تهذیب الاحکام و اشتغال آن بر احادیث صحیح و ضعیف و علت آن، سخن گفته و در پایان افزوده است که: شیخ طوسی به هیچ وجه صحت احادیث تهذیب را ضمانت نکرده است و نه تنها از درج احادیث ضعیف و تقیه‌آمیز پروا و پرهیزی نداشته است، بلکه حتی المقدور و تا آنجا که در دسترس داشته است، احادیث ضعیف و تقیه‌آمیز را در ذیل مباحث گردآوری کرده است تا هر چه بهتر و بیشتر بتواند غائله اختلاف را حل کند و گویا به همین علت بوده است که می‌بینیم کتاب خود را تهذیب الاحکام می‌نامد، نه آنکه تهذیب الاخبار بنامد.

با عنایت به این مسأله، استاد بهبودی در این اثر عهده‌دار استخراج احادیث صحیح تهذیب الاحکام گردیده و ۳۲۹۰ حدیث را صحیح شناخته است.

استاد افزون بر گزینش احادیث صحیح به ترجمه روان و استوار احادیث همت گماشته، و گاه توضیحات و شرح‌های سودمندی بدانها افزوده است. و در مجموع کتابی ارجمند و خواندنی عرضه کرده است.

حروفچینی و صفحه‌آرایی این اثر، چشمگیر و مطلوب است و ناشر در عرضه یک کتاب زیبا و پاکیزه، کوتاهی نکرده است.

حسن علوی

بررسی انقلاب ایران

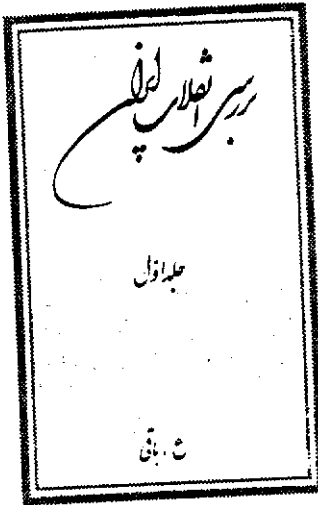
ع. باقی. (قم، نشر تفکر، ۱۳۷۰). ج ۱، ص ۵۰۳، وزیری. انقلاب اسلامی ایران که انفجار نور بود در ظلمت متراکم زشتیها و پلیدیها و تباهیها، دیگر سانی شکر و عظیمی در صحنه اجتماع و صحنه ذهن جامعه ایران، بلکه جهان به وجود آورد. از آغازین روزهای پیروزی این حرکت شکوهمند تاکنون، دهها کتاب در قالب تحلیل، خاطره، گزارش

و... در چگونگی آن نوشته و نشر شده است؛ که متأسفانه غالباً به قلم دیگرانندیشان بوده و مآلاً آمیخته با غرض. به هر حال در نگریستن به زوایای این موج سترگ و ارزیابی چند و چون آن با واقعنگری و ارزیابیهای مستند و متکی بر اسناد، از جمله ضرورت‌های

تاریخ معاصر است؛ و این کتاب را که اکنون جلد اول آن منتشر شده است، باید گامی تلقی کرد در این زمینه. چهارچوب تحقیق در این کتاب، زمینه‌های انقلاب و تحلیل رویدادها تا سال ۵۷ است. اما از آن روی که به گفته نویسنده «هیچ رویداد اجتماعی از تجارب و تأثیر سابق بر خود بدور نیست»، به تجزیه و تحلیل روندی که منجر به انقلاب اسلامی شد نیز به گونه‌ای فشرده بحث شده است.

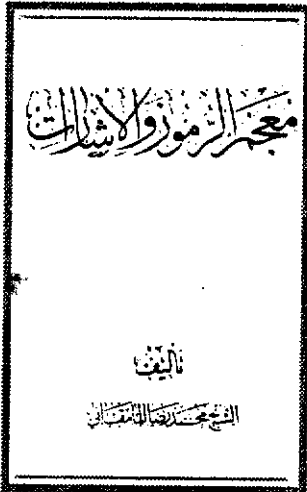
کتاب با پیشگفتاری آغاز می‌شود در تبیین ضرورت بحث، چهارچوب تحقیق، روش تحلیل در این تحقیق و پیشینه کتاب. آنگاه بخش اول کتاب است با شش فصل که با نگاهی گذرا به پیدایش صفویه و چگونگی جریانهای آن روزگار تا قاجاریه شروع می‌شود و با بحث از جنبش تحریم تنباکو، جریان مشروطیت و مقدمات و نتایج آن ادامه می‌یابد و در فصلهای بعد از کودتا تا سقوط رضاخان سخن می‌رود و نهضت ملی و چگونگی آن و نقش امریکا در کودتای ۲۸ مرداد ارزیابی می‌شود و در نهایت، نگاهی است به قیام سالهای ۴۱ و ۴۲ و ماجرای اصلاحات ارضی، نقش آیت الله بروجردی در جلوگیری از اجرای آن، انقلاب سفید، کاپیتولاسیون و قیام امام - رضوان الله علیه - و تبعید آن بزرگوار.

با بخش دوم، بدنه اصلی تحقیق آغاز می‌شود؛ یعنی بررسی انقلاب اسلامی ایران. فصل اول با عنوان از فضای باز تا جرقه انقلاب، به ارزیابی فضای باز مصلحتی دوران حاکمیت کارتر و مسأله حقوق بشر پرداخته و با تحلیل



معجم الرموز و الإشارات

محمدرضا المامقانی. (قم، بی نا، ۱۴۱۱). ۵۵۳ص، وزیری.



از مشکلات خواندن و بهره‌گرفتن متون کهن، دریافتن رموزها و اشاراتی است که مؤلفان آنها برای القای مطالب، مفاهیم و اصطلاحاتی به کار می‌گرفتند. این رموز به هر انگیزه‌ای به کار گرفته

می‌شد، اکنون برآستی محققان و حتی خبرنگاران پژوهش نیز از دریافت سریع مفهوم آنها عاجزند. توجه به این چگونگی باعث می‌شود تا جناب مامقانی دامن همت به کمر زنند و با تتبعی درخور و در حد امکان، رموز و اشارات را یافته و مفاهیم آنها را تبیین کنند. پژوهشهای دیگر در این زمینه، گویا از محدوده رساله کوچک العلامات و الرموز عند المؤلفین از دکتر حسین علی محفوظ و چند مقاله کوتاه دیگر نمی‌گذرد. بنابراین تلاش و تحقیق مؤلف ستودنی است.

روشن است که رموزها و اشاره‌ها گاه ویژه مؤلفی است در کتابی و گاه روش و شیوه‌ای است در دانشی و یا نگارش آثار متعددی. مؤلف در این مجموعه به رموزها و اشاره‌های از نوع دوم پرداخته است و نه اول. وی پس از تبیین شیوه تحقیق در مقدمه کتاب، در ضمن فوایدی از مسائل قابل توجهی در این باب سخن گفته است. از جمله رموزها در اصطلاح جریانهای مختلف فرهنگی، مانند استنساخ کنندگان، قاریان، محدثان، رجالیان، لغویان، تبارشناسان، منجمان، شاعران، فیلسوفان و رموزهای مؤلفان معاصر در نگارشها. مؤلف در پایان این بخش، نگاهی دارد به رموزهای ویژه برخی از مؤلفان و نیز رموزها و اشاراتی که اکنون در نگارشها به کار گرفته می‌شود. آنگاه گزارش رمزهاست در دو بخش:

(۱) حروف رمزی؛ مانند: آت: رمز مرآت العقول، ثر:

بحران داخلی امریکا و مسائل حاد سیاسی که در آن روزگاران در صحنه سیاست جهانی مطرح بود، به توضیح و تبیین چگونگی نگارش مقاله «ایران و استعمار سرخ و سیاه» پرداخته و از آن به عنوان جرقه انقلاب یاد شده است.

فصل دوم گزارش چگونگی ظهور دولت و کابینه شریف امامی است و فصل سوم، کیفیت شکل گرفتن و متلاشی شدن کابینه ازهارری. در فصل چهارم از آخرین تلاشهای شاه برای حفظ سلطنت یاد شده و چگونگی روی کارآمدن سیاستمداران منزوی و نیز سیاست بازان حرفه‌ای تبیین شده است. و بالاخره، فصل پنجم این بخش است با گزارش چگونگی بازگشت حضرت امام خمینی-رضوان الله علیه- به کشور تا پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۵۷.

در فصول یاد شده، چگونگی رهبریهای هوشمندانه و مدبرانه رهبر کبیر انقلاب تحلیل شده و شیوه‌هایی به کار گرفته شده از سوی سیاست حاکم برای خفه کردن انقلاب و روشهای رهبری انقلاب برای هر چه بیشتر شعله‌ور ساختن خشم امت، نموده شده است.

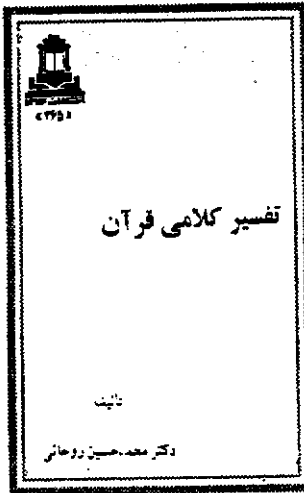
کتاب در کنار گزارش حوادث، از تحلیل و ارزیابی رویدادها و روند انقلاب به دور نمانده و جای جای آن، چگونگی مواضع مختلف گروهها و جریانها در انقلاب بررسی شده است. چنانکه پیشتر گفتیم، پس از انقلاب دهها کتاب در قالب تحلیل، خاطره و واقع نگاری درباره انقلاب اسلامی ایران، به قلم آمده است. از ویژگیهای برجسته این کتاب توجه به آن آثار و بهره‌گیری از چگونگی تحلیل آنان درباره انقلاب و نقد و تحلیل دیدگاههای مختلف درباره این حرکت عظیم است. مؤلف سعی کرده است آنچه را در زمینه‌های انقلاب بر اساس اسناد دارای نقش یافته، از نگاه تاریخی بنگرد و هر چیزی را در جایگاه خود تحلیل کند. او هرگز به حدفهای نامطلوب- که اکنون متأسفانه باب شده است- دست نمی‌یازد. اما از ارزیابی و تحلیل و نشان دادن واقعیتهای آنچه بوده است نیز غفلت نمی‌کند. به هر حال کتاب بررسی انقلاب ایران، بر روی هم کتابی است سودمند، و خواننده با هر دیدگاهی از خواندن آن سود خواهد جست.

محمدعلی مهدوی راد

کتاب معجم الرموز، اثری است گرانقدر، گره گشا و کارآمد. برای مؤلف توفیق تکمیل آن را آرزو داریم.
محمدعلی مهدوی راد

تفسیر کلامی قرآن مجید

محمدحسین روحانی.
(تهران، انتشارات توس،
۱۳۷۰). ۳۴۷ص، وزیری.
نقد و تحلیل جریانهای
تفسیرنگاری و تفحص و
تتبع درباره تفسیر پژوهی
در فرهنگ اسلامی به زبان
پارسی، کم برگ است و
کم بار. مجموعه نگاشته های
جدی در این زمینه شاید از
شمار انگشتان دست نیز



تجاوز نکند. از این روی همت جناب روحانی در نگارش کتابی در بررسی یکی از جریانهای مهم تفسیر نگاری ستودنی است. کتاب با مقدمه ای آغاز می شود که مؤلف در ضمن آن از اصول دین، لزوم تحقیق درباره آن، نقش مسائل اصول دین در رویاروییهای جوامع اسلامی، کلام، مفهوم دقیق آن و ارتباط آنچه یاد شد با قرآن و تفسیر کلام الهی، بحث کرده و چگونگی تدوین کتاب و شیوه بحث و نگاهش به تفسیر کلامی را باز نموده است. آنگاه بخش یکم کتاب آغاز می شود با دو عنوان: شناسایی تفسیر، و تفسیر در تاریخ؛ که بحثی است دراز دامن در این زمینه. در ذیل عنوان اول، از معنای تفسیر، مقدمات و لوازم تفسیر سخن رفته و پس از آن برای آشنایی بیشتر با قرآن مجید، چندین دیدگاه گوناگون پیشنهاد شده، به توضیح آمده و «نگاه دسته بندی» - به تعبیر مؤلف - و نگرش موضوعی، ناسودمند تلقی شده است که جای گفتگوی بسیار دارد. مؤلف در این بخش ویژگیهای قرآن را برشمرده و نتیجه گرفته است که «ویژگی های قرآن یک چیز را به سادگی می تواند نشان دهد: بحث انگیز بودن آیه های شریف قرآن مجید». (ص ۷۳). در پایان این بحث نگاه

بصائر الدرجات، ض: ریاض المسائل و... یادآوری این نکته لازم است که رمزها گاه مشترک هستند، مانند اینکه «ثر»، هم رمز بصائر الدرجات است و هم سرائر. یا «مل»، هم رمز «کامل الزیارات» است و هم «أمل الآمل» و... مؤلف به این نکته توجه کرده و به چگونگی بازشناسی این رمزها تنبه داده است. (ص ۲۰). این بخش بر اساس حروف الفبا تنظیم شده و مفهوم رمز کاملاً تبیین شده است. مثلاً: یر = التحریر: (تحریر الأحکام الشرعیه) فی الفقه، للعلامة جمال الدین ابی منصور الحسن بن یوسف بن علی بن المطهر الحلی (۶۴۸-۷۲۶هـ). یا: م. د = المیرزا محمد الأسترابادی، المتوفی سنه ۱۰۸۳، صاحب الرجال الصغیر و الوسیط و الکبیر و قد یرمز له ب: «مح» کما مر یا: ش = علامة تذکر فی کتب الحدیث للإشارة الی اشتراک جمیع ما سبق من الحدیث فی الروایه. و مانند اینها.

۲) علامتهای رمزی؛ مثلاً: = یوضع علی الکلمه دالاً علی الأهمال، و ۷ = علامة تصحیح، توضع فی الحاشیه.

پس از این بخش، قسم دوم کتاب است با عنوان «الإشارات». در مقدمه اول کتاب، مفهوم اشاره از نظر لغوی و اصطلاحی توضیح داده شده است. سپس یادآوری شده که آنچه در این بخش آمده است، تبیین و توضیح اشاراتی است مربوط به رجال فقه و بعضاً عالمان از اصولیان، مفسران و... مانند: ابن طی = صاحب المسائل، یا: السبغه و یا: مشایخ السبغه، السمری، الشهدی، الشهدیان، صاحب العمده، الغرویون، الفارسی، الأبی، الفاضلان، القدماء، الواسطی، ورام و....

کتاب، خاتمه ای نیز دارد که در ضمن آن مؤلف برخی از اصطلاحات فقها را مانند الأشهر، الأظهر، الأصلح، الأقوی و... توضیح داده است.

فهرستهای کتاب که بخش عظیمی از کتاب را فراگرفته، بسیار کارآمد و سودمند است. در فهرست، اشارات اعلام، کتابها، نویسندگان، اصطلاحات ویژه علوم و رمزها آمده و به صفحات کتاب ارجاع داده شده است. از این روی خواننده برای سهولت در دستیابی به مطلوب خوب است ابتدا به این فهرست مراجعه کند و تقصیل و توضیح آن را در متن بیابد.

دو تن از عالمان و تفسیر پژوهان بزرگ سنی و شیعی را به قرآن و تفسیر آن آورده و نقد و بررسی کرده است که برآستی چنانکه مؤلف نوشته است «شایستگی بارها خواندن و اندیشیدن را دارد». اولی از امین الخولی و دومی از شهید علامه محمدباقر صدر (که اشتباهاً به آقای سید محمدباقر حکیم نسبت داده شده است). (رک: علوم القرآن، المجمع العلمی الإسلامی، ص ۶۶ به بعد که بحثهای نگاشته شده استاد شهید است با تدریس آقای حکیم در دانشکده اصول دین بغداد.)

فصل دوم این بخش با عنوان «تفسیر در تاریخ» به پیدایش و تحول تفسیر پژوهی می پردازد و مباحث کلی آن را ذیل عناوین استوارسازی متن، تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر مآثور و تفسیر استدلالی پایان می برد. در ذیل تفسیر مآثور، مؤلف به تفصیل از شخصیت علی-ع- و ابن عباس سخن گفته است. و درباره ابن عباس بحث را بسیار گسترده است و مسأله ابن عباس و اموال بصره را به نقد و تحلیل کشیده است. البته مؤلف در پایان به نقطه روشنی نمی رسد و می نویسد: «با ابن عباس، این چیستان بزرگ آفرین انگیز نگران کننده چه باید کرد؟... در زندگی این مرد بزرگ گرهی هست. گرهی که گشودن آن بزرگان فرهنگ اسلامی را درمانده کرده است. اگر کسی چنین برآورد کند که می تواند این دشواری را به کرانه گشایش برساند، چه از این بهتر». (ص ۱۴۲-۱۴۳). اولاً باید یاد کنم که بحثی به این تفصیل درباره این دو بزرگوار بدون توجه شایسته به جایگاه تفسیری آنها (که موضوع رساله است) مناسب نبود، ثانیاً این گره با همه دشواری گویا با سنجش نقلها و ارزیابی متون کهن و تنبّه در دستهای جعل و تحریف و... گشودنی است. در این باره بحث همه سویه و ژرف علامه متتبع، حضرت جعفر مرتضی عاملی خواندنی است. (رک: ابن عباس و اموال البصره: دراسة و تحلیل قم، ۱۳۶۹ق). در ادامه این بخش، دیدگاه مفسران و عالمان بزرگ فریقین درباره قرآن، تفسیر آن و چگونگی تفسیر پذیری قرآن آمده است.

بخش دوم که پایه و بنیاد موضوع رساله است، با بحث «تأویل» آغاز می شود و با عنوانهای تعریف تأویل از دیدگاه

قرآن- که بحثی است مفصل در آیات مشتمل بر واژه تأویل- و آنگاه نتیجه گیری کلی، ادامه می یابد. در بخش سوم، موضوع اصلی کتاب مطرح می شود و با عنوان اصول اعتقادی در قرآن مجید، به چهار مسأله مهم اعتقادی (غیب، یکتاپرستی، پیامبری و رستاخیز) رسیدگی می شود.

مؤلف در این بخش، دیدگاه مفسران را با نگرشهای مختلف آورده و ارزیابی کرده است و در نتیجه گیری کتاب، به چرایی اختلاف دیدگاهها اشاره کرده و راه حلهایی برای بهره وری درست از تعالیم قرآن مطرح کرده است. حروفچینی و صحافی کتاب، چشم نواز و دقیق است. اما نه تنها از فهرستهای فنی تهی است، بلکه فهرست تفصیلی و دقیق مطالب را نیز ندارد.

محمدعلی مهدوی راد

النظام السياسي في الإسلام: رأي الشيعة، رأي

السنة، حكم الشرع

المحامي احمد حسين

يعقوب. (قم، انتشارات

انصاريان، ۱۴۱۲).

۳۱۰ص، وزیری.

جریان رهبری در فرهنگ

اسلامی و چگونگی

شکل گیری خلافت پس از

رسول الله-ص- از

جنگالی ترین بحثهای کلامی

است. تحلیل و بررسی

چرایی و چگونگی

شکل گیری خلافت و پیامدهای آن در سده های اول و دوم و تأثیر آن در تکوین اندیشه های گونه گون کلامی، فقهی و اجتماعی و سیاسی، از جمله تنبّه آفرین ترین حوادث صدر اسلام است. با این نگرش، هنوز هم این بحث زنده، جذاب و رهگشاست. مؤلف این کتاب با این نگرش به مسأله خلافت و امامت پرداخته و کوشیده است تئوریهای خلافت و امامت را از دیدگاه اهل سنت و تشیع در میزان شرع ارزیابی کند و

آستانه رحلت پیامبر، رویارویی با عترت و بیرون راندن آنان از صحنه و جلوگیری از نقش آفرینی آنها و سپردن زمام امور به دست ابوبکر که خلیفه دوم از آن به «فلته» یاد کرد. پس از این، دلایل انصار و مهاجرین برای به دست گرفتن خلافت و نقد و تحلیل این دلائل با تکیه بر حق خلافت و خلافت حق نیز خواندنی و جالب است. فصل هفتم، گزارش رویاروییها و اعتراضها به خلافت است از مهاجران، انصار اهل البیت، علی-ع-و... فصل هشتم، آثار تثبیت خلافت در ابوبکر است که مؤلف با عنوان «الآثار السیاسیة للفلته» به بررسی کشیده است و در ضمن آن از باور داشت ولایتعهدی در دین، دور داشتن عترت طاهره از صحنه اجتماع، تئوری خلافت به عنوان ملکی برای فرصت نگران، شرعیت یافتن اصل غلبه و زور... به عنوان نتایج آن سخن رفته است. در فصل نهم از چگونگی شکل‌گیری حکومت خلفا، علی-ع، بنی امیه، بنی عباس و خلافت عثمانی بحث شده است که با همه اختصار نکاتی تنبّه‌آفرین دارد. در فصل دهم از وظائف و اختیارات رهبری گفتگو شده و در فصل یازدهم از همکاران و همراهان وی در اجرای احکام و اداره دولت و حراست از نظام.

در باب دوم کتاب در ضمن چهارفصل از چگونگی شکل‌گیری حکومت در زمان پیامبر و اداره امور بحث شده و در باب سوم با سه فصل، از مفهوم دولت و طبیعت آن در نظام سیاسی اسلام، بحث شده است. و بالاخره باب چهارم بحثی است خواندنی با عنوان احزاب سیاسی در اسلام.

بر روی هم کتاب حاضر از تحلیل دقیق، نگرشی نکته یاب و ظرافت اندیشی ویژه‌ای برخوردار است که شاید توان گفت برای اولین بار محقق از اهل سنت از نصوص مهم کهن تاریخی در کتابها که غالباً در قالب فضائل و مناقب پراکنده است، به یک تحلیل سیاسی دقیقی پرداخته است. خواننده شیعی شاید با برخی اندک از موارد آن همراه نباشد (که برخی از این موارد در مقدمه ناشر آمده است)؛ اما با خواندن آن، قطعاً به آزاداندیشی و ژرفنگری مؤلف آفرین خواهد گفت.

محمدعلی مهدوی راد

براستی در موارد بسیاری، سره را از ناسره به زیبایی بازشناسانده و به نکات ارجمند و گرانقدری دست یافته است.

مؤلف پس از مقدمه کتاب و اشاره به چگونگی تألیف آن، فصل اول را شروع می‌کند با عنوان «تولیه الإمام» و در بخش اول این فصل از «القاب رئیس حکومت» در فرهنگ اسلامی سخن می‌گوید. بحث او از «ولی الأمر» به عنوان لقب رئیس حکومت، دقیق و رهگشاست. پس از آن به تبیین و توضیح امام، به عنوان خلیفه و امیرالمؤمنین پرداخته است. یادآوری کنم که اظهار نظر مؤلف درباره‌ی واژه «امیرالمؤمنین» به لحاظ تاریخی درست نمی‌نماید. وی معتقد است این لقب برای اولین بار بر اساس ادعای وی به عمر اطلاق شده است در حالی که این لقب در زمان پیامبر نیز به علی-ع- اطلاق می‌شده است. (ر.ک: حلیة الأولیاء، ج ۱، ص ۶۳).

فصل دوم عهده دار بحث از چگونگی تکوین امامت و انعقاد رهبری است. مؤلف هوشمندانه دیدگاههای اهل سنت را در این باب به نقد می‌کشد و هیچکدام از تئوریهای مطرح شده را بر نمی‌تابد و نظریه تشیع را (نصب امام) مطرح کرده و بر اساس نصوص غیر قابل تردید، آن را استوارترین رأی می‌داند. از نکات قابل توجه این بحث از یکسوی نمودن تناقضهای متفکران عامه است و از سوی دیگر توجه دادن به این نکته حساس که این تئوریه‌ها بیشتر متکی به تفسیر واقعیت بوده است تا مستند به شرع و نصوص دینی. فصل سوم در ادامه بحث فصل دوم، گزارش دلائل تشیع بر ولایت علی-ع- و اثبات آن است و فصل چهارم راههای تحقق خلافت مطرح شده و مسأله بیعت و گونه‌های مختلف آن. در ادامه این بحث در فصل پنجم، به تبیین مفهوم «اهل البیت» و «صحابه» پرداخته و نکات مهمی را مطرح کرده است. فصل ششم با عنوان «نسف النظام السیاسی قبل تطبیقه»، به عوامل ویرانگر در شکل‌گیری صحیح خلافت پرداخته و نشان داده است که قبل از آنکه خلافت بدان سان که پیامبر می‌خواست است شکل گیرد، عواملی به تیهای آفرینی پرداخته و زمینه تکوین سالم آن را از بین برد. این عوامل بر اساس یادکرد مؤلف عبارت است از: جلوگیری از نگارش وصیتنامه در